

”

آقای آوینی از پیش از انقلاب، در حوزه‌هایی مثل هنر و سینما و فلسفه و معماری، تخصصی داشته است ولی کار مهمی که او کرده این است که بعد از انقلاب، دانسته‌هایش را با فضای جدید دوباره بازخوانی کرده است

عالم، آن حقیقت، دو چیز است؛ یکی مدینه پیغمبر اکرم به عنوان اصل صدر اسلام و جایگاه اسلام و دیگری حقیقتی به اسم قیام عاشورا. آوینی انقلاب اسلامی را انقلابی از جنس انقلاب فرانسه و روسیه و امریکا و غیره نمی‌بیند، بلکه معتقد است این انقلاب یک صدری دارد و به آن رجوع می‌کند. بنابراین من اگر فیلم هم می‌خواهم بسازم، باید یک تذکری به آن واقعیت بدهم و این نکته متمایزی است که آقای آوینی در محتوای روایتش دارد.

اما در مورد تکنیک، آوینی در یکی از مصاحبه‌های بعد از روایت فتحش می‌گوید یکسری اتفاقاتی برای ما افتاد که ما از نظر تکنیکی، به این چیزی که الان در روایت فتح می‌بینید، رسیدیم. قبلش مصاحبه‌گر کنار تصویر بردار بود و ما دیدیم که مخاطب ما بانوع دوربینی که آن موقع وجود داشت، به دوربین نگاه می‌کند ولی وقتی می‌خواهد جواب کسی که ازش سؤال می‌پرسد را بدهد، باید سمت نگاهش را عوض کند. می‌گوید به این نتیجه رسیدیم که کارگردان و خبرنگارمان را بچسبانیم به همان فیلمبردار و بگوییم که تو همه این کارها را به عهده بگیر، بنابراین وقتی شماروایت فتح را نگاه می‌کنید، از اولین مستندهای جنگی است که مخاطب تصویر دارد با

روایت فتح، روایتی تأویلی است حسام‌الدین ابوالحسنی (پژوهشگر و مستندساز)

ما اگر کتاب‌های آقای آوینی را نخوانده باشیم و با مبانی فکری ایشان آشنا نباشیم، نمی‌توانیم در مورد روایتگری ایشان یا سینمای ایشان نظری بدهیم. آقای آوینی از پیش از انقلاب، در حوزه‌هایی مثل هنر و سینما و فلسفه و معماری، تخصص داشته است ولی کار مهمی که او کرده این است که بعد از انقلاب، دانسته‌هایش را با فضای جدید دوباره بازخوانی کرده است. کاری که بسیاری از کسانی که در این حوزه دارند کار می‌کنند، بعد از چهل سال هنوز انجام نداده‌اند و مستقیم وارد تکنیک قضیه شده‌اند. ایشان در حوزه مباحث نظری، یکسری حرف‌هایی زده و یکسری تفکراتی داشته که وقتی به حوزه عمل می‌رسد، می‌شود روایت فتح. روایتی که آقای آوینی دارد در روایت فتح ارائه می‌دهد، روایت تأویلی است که مشابه آن را در کارهای قبل از آن هرگز نداریم. یعنی کسانی که می‌خواهند مستند بسازند، می‌آیند آنچه دارد اتفاق می‌افتد را روایت می‌کنند. آقای آوینی اصلاً چشمش انگار دارد جای دیگر و پشت قضیه را نگاه می‌کند. او تأویل می‌کند همه اتفاقات را به یک حقیقتی در

